

## انواع زهد در بهبود مناسبات اقتصادی از دیدگاه امام علی(ع)

فاطمه سبحانی نیا<sup>۱</sup>، غفوری چرخابی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشگاه یزد، یزد، ایران

<sup>۲</sup> دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

### چکیده

موضوع زهد یکی از مهم ترین و بارز ترین موضوعاتی می باشد که امام علی(ع) و امامان پس از او به آن پرداخته اند. همان طور که می دانیم امام علی (ع) مظهر زهد و وارستگی و بی اعتنایی به زر و زیور دنیاست در زمانهای مختلف به مقوله زهد به شکل های متعددی پرداخته شده است و مورد توجه عده ای خاص قرار گرفته که عده ای آنرا امری مثبت و عده ای نیز منفی می پندارند. عده ای نیز حقیقتاً به این امر افراطی پرداخته اند که سبب بدبینی عده ای به این امر شده همچون عده ای از راهبان مسیحی و صوفیان و دراویش و ...

در این مقاله سعی شده انواع مختلف زهد را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه های اندیشمندان و امامان بزرگوار را جویا شوم و در طی مطالعه مقاله حتماً متوجه خواهید شد که زهدی ناپسند و منفور می باشد که فقط و فقط به گوشه گیری پرداخته و دنیا را ترک کرده اند اما زهدی که در کنارش به گونه ای پرداخته شده باشد که دنیا را وسیله ای برای جمع آوری توشه و آذوقه آخرت قرار داده اند نه تنها ناپسند بلکه باعث تساوی بین افراد گردیده و عده ای غنی و عده ای فقیر نخواهند ماند بلکه عدالت اجتماعی در سراسر جهان موج خواهد زد.

کلیدواژه: زهد، زاهد، امام علی(ع)، نهج البلاغه، دنیا و دنیا پرستی

## مقدمه

شما چگونه به کلمه ی زهد نگاه می کنید و دیدگاه شما از این کلمه چگونه است؟ آنچه مسلم است این است که زهد کلمه ای است که گاهی به اشتباه معنی گردیده و آن به معنی کناره گیری از دنیا و انزوا و گوشه گیری است و این ان چیز ی بود که اکنون ذهن و فکر ما را به خود مشغول کرده بود که اگر زهد به معنی گوشه گیری است پس چگونه امامان ما به خصوص امام علی از طریق زهد و گوشه گیری از دنیا می توانست جامعه را هدایت و رهبری کند اما با تحقیق و تفحص در این امر با نظرات و بیانات متعدد اساتید و بزرگان علم و ادب در اینجا ثابت می شود که نه تنها زهد به معنای گوشه گیری نیست بلکه عاملی مهم جهت پیشبرد اهداف یک حکومت است چراکه معصومین ما نمونه ای از زهد کامل بودند و به عنوان انسان هایی زاهد تاثیر عمیقی را بر فرد و اجتماع می گذاشتند .

به عنوان مثال حضرت علی که مظهر زهد و انسانی زاهد می باشد هرگز طریقه ی انزوا و گوشه نشینی را در پیش نگرفت چرا که هر انسانی در هر درجه ایی از علم و معرفت باشد حداقل به اندازه قطره ای ناچیز از زندگی و احوالات مولایش علی را شنیده ویا خواننده است که او در تمامی عرصه های زندگی چه در جنگ و چه در صلح نقشی به سزا داشته است و آیات و روایات متعددی گویای این امر بزرگ می باشد.

بنده عاصی سراپا تقصیر در این مقاله سعی کردم که ضمن بیان اخلاقیات و روحیات مولایمان علی ثابت نمایم که او نه تنها از دنیا کناره گیری نکرد بلکه دنیا را وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف بزرگ خود و جامعه اش به سوی مقصد نهایی که همان کمال و قرب الهی الله می باشد رهنمون ساخت.

## ادبیات تحقیق

زهد:

همانطور که می دانیم زهد از هر موضوع دیگری از موضوعات نهج البلاغه زیادتر درباره اش بحث شد و امام علی(ع) به این امر مهم بارها اشاره کرده است. زهد و رغبت نقطه مقابل یکدیگرند. زهد یعنی اعراض و بی میلی و در مقابل رغبت که عبارت است از کشش و میل.

زاهد یعنی کسی که توجهش از مادیات دنیا به عنوان کمال مطلوب و بالاترین خواسته عبور کرده متوجه چیز دیگر از نوع چیزها معطوف شده است. بی رغبتی زاهد بی رغبتی در ناحیه ی اندیشه و آمال و آرزوست نه در ناحیه طبیعت.

امامعلی(ع) در خطبه ۷۹ نهج البلاغه می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَالْوَرَعُ عِنْدَ الْمَطَارِمِ:

ای مردم زهد عبارت است از کوتاهی آرزو و سپاس گذاری هنگام نعمت و پارسایی نسبت به نایبستنیها

در حکمت ۴۳۹ امام علی (ع) می فرماید:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ

زهد در دو جمله قرآن خلاصه شده است ابراینکه متاسف نشوید به آنچه از مادیات دنیا از شما فوت می شود و شاد نگردید بر آنچه خداوند به شما می دهد . هر کسی بر گذشته اندوه نخورد و بر آینده شادمان نشود بر هر دو جانب زهد دست یافته است(صفحه ۲۴۲ سیری در نهج البلاغه)

امام صادق(ع) می فرماید:

زهد به معنی از بین بردن ثروت و حرام نمودن حلال نیست بلکه زهد عبارت است از اینکه اطمینان به آنچه در دست تو است بیشتر از آنچه که در دست خدا است،نباشد(الخره العاملی،وسائل الشیعه اهل بیت ج ۱۶ ص ۱۵)

امام علی (ع) فرموده اند:

الدُّنْيَا دَارٌ مُجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَفَرِّكُمْ:

جز این نیست که دنیا گذرگاهی است ناپایدار و آخرت اقامتگاهی است برقرار. از گذرگاه خود بگیریید برای اقامتگاه پایدار(نهج البلاغه خطبه ۲۰۳)

همچنین علی(ع) در مورد تفسیر زهد می گوید

لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

به خاطر این که برای آن چه که از دست شما رفته افسوس نخورید و به خاطر آن چه که به شما داده شده شادمان نگردید(حدید ۲۳)

امام علی(ع) فرموده اند: غمگینی و شادمانی مربوط به قلب است نه عمل

زهد عبارت است از کوتاه کردن آرزو و شکر نمودن هر نعمت و پرهیز از هر چه خداوند حرام کرده است(فروع کافی ج ۵ ص ۷۱)

زهد عاملی است برای تلاش بیشتر و به کار گیری تمام فرصت ها و امکانات و تقویت روحیه مسئولیت پذیری که شیفتگی به دنیا را نفی می کند و تاثیر مستقیمی بر تقویت وجدان کاری، بهره برداری مطلوب از منابع تولید و در نتیجه پیشرفت مادی فرد و جامعه است(ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۱۲۴-۱۲۵)

آنان که به دنیا چسبیده اند(إِنَّا قُلْتُمْ أَلَيْسَ لَنَا بِدِينٍ لَّيْسَ لَنَا دِينٌ إِلَّا مَا كُنَّا نَدْعُو) (سوره توبه آیه ۳۸)

و به آن دلخوش کرده اند(إِرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) همان

و از آن انتظار خلود داشتند(وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ) (اعراف ۷۶)

دنیا نیز مانع عروجشان گردید بلکه راس هر خطایی باشد

راسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا: کسانی که آن را سجده گاه فرشتگان و تجارت خانه با خدا دانستند دنیا نیز آنان را در راستای حرکت به سوی ابدیت یاری کرد. از این رو بجاست همان گونه که دنیا ما مهمانان را برای مدتی می پذیرد ما نیز دنیا را مهمان خانه ی موقتی در نظر بگیریم(محمدی ری شهری-میزان الحکمه ج ۳)

برخی آیات و روایات بر زهد مردم و عدم دلبستگی به دنیا و ذخائر آن تاکید می کنند مثلاً خداوند می فرماید: وما هذه الحياة الدنيا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ:

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست(سوره عنکبوت آیه ۶۴)

چند نمونه از انواع زهد را مورد بررسی قرار می دهیم

۱- زهد اسلامی که در آن مزد زاهد عملاً از تجمل و لذت گرای پرهیز داشته و به حداقل تمتع و بهره گیری از مادیات اکتفا نماید. علی(ع) از آن جهت زاهد است که نه تنها دل به دنیا نداشت بلکه عملاً از تمتع و لذت گرای ابا داشت(شهید مطهری، سیری در نهج البلاغه ص ۲۴۴ و ۲۴۵ چاپ ۸۹ انتشارات آل طه)

رهبانیت بریدن از مردم و روی آوردن به عبادت است اما زهد اسلامی در عین این که مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی تکلف است بر اساس پرهیز از تجمل و لذت گرای است در متن زندگی و در بطن روابط اجتماعی قرار دارد(مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه ص ۲۴۷)

سه اصل یا سه پایه زهد اسلامی

۱- بهره گیری های مادی از جهان و تمتعات طبیعی و جسمانی تنها عامل تامین کننده خوشی و سعادت انسان نیست. برای انسان به حکم سرشت خاص یک سلسله ارزشهای معنوی مطرح است که با فقدان آنها تمتعات مادی قادر به تامین بهجت و سعادت نیست.

۲- سرنوشت سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست انسان از آن جهت که اسان است یک سلسله وابستگی های عاطفی و حساس مسئولیت های انسانی درباره ی جامعه دارند که نمی تواند فارغ از آسایش دیگران آسایش و آرامش داشته باشد

۳- روح ثر عین نوعی ارتباط و یگانگی با بدن در مقابل بدن اصالت دارد، کانونی است در مقابل کانون جسم، منبع مستقلی است برای لذات و الهام روح نیز به نوبه ی خود بلکه بیش از اندازه ی بدن نیازمند به تغذیه و تهذیب و تقویت و تکمیل است روح از

بدن و سلامت آن و نیرومندی آن بی نیازیست اما غرقه شدن در تنعمات مادی و اقبال به تمام به لذت گرایی جسمانی مجال و فراغت برای بهره برداری از کانون روح و منبع بی پایان ضمیر باقی نمی گذارد و در حقیقت نوعی تضاد میان تمتعات روحی و مادی اگر به صورت غرقه شدن و محو شدن و فانی شدن در آنها باشد وجود دارد.

با توجه بهداین سه اصل است که مفهوم زهد اسلامی روشن می شود که چگونه اسلام رهبانیت را طرد می کند اما زهدگرایی را می پذیرد (سیری در نهج البلاغه صفحه ۲۴۸ و ۲۴۹)

زاهد و راغب هر دو آخرت گرایی جامع را است و راهب آخرت گرا جامع گریز. راهب، سلامت، نظافت و قوت و انتخاب همسر و تولید فرزند را تحقیر می کند اما زاهد حفظ سلامت و رعایت نظافت و برخورداری از همسر و فرزند را جز وظیفه می شمارد (همان ص ۲۵۱)

۲- زهد و ایثار: یکی از فلسفه های زهد ایثار است ایثار یعنی دیگران را به خودش مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج انداختن است. زاهد از آن محبت ساده و بی تکلف و در کمال قناعت زندگی می کند و بر خود تنگ می گیرد تا دیگران را به آسایش برساند (همان ص ۲۵۳)

او از اینکه نیازمندان را بخوراند و ببوشاند و به آنان آسایش برساند بیش از آن لذت می برد که خود بخورد و ببوشد و استراحت کند و او رنج و درد و گرسنگی را از آن جهت تحمل می کند که دیگران برخوردار و سیر و بی دردسر زندگی کنند. قرآن کریم داستان ایثار علی (ع) و خاندانش را در سوره هل اتی منعکس کرده (سیر در نهج البلاغه ص ۲۵۴)

زهد بر مبنای ایثار در شرایط مختلف اجتماعی فرق می کند در یک اجتماع مرفه کمتر نیاز به ایثار پیدا میکند و در یک اجتماع محروم آن روز مدینه بیشتر. پس زهد بر اساس فلسفه ایثار هیچگونه ربطی با رهبانیت و گریز از اجتماع ندارد بلکه زائیده علائق و عواطف اجتماعی است و موجب استحکام بیشتر پیوند کمال اجتماعی است همان ص ۲۵۵)

فلسفه دیگر زهد آزادی و /آزادگی است که بیان این دو پیوندی ناگسستنی برقرار است همان ص ۲۶۱  
عرفا و شعرای ما از آزادی و آزادگی بسیار گفته اند حافظ خود را غلام همت آن می داند که در زیر گنبد این چرخ کبود از هر چه رنگ تعلق پذیر و آزاد است. منظور این بزرگان از آزادی، آزادی از متد تعلق خاطر است یعنی دلبستگی نداشتن، شیفته و فریفته نبودن است. (همان ص ۲۶۳)

علی (ع) از آن جهت به تمام معنا آزاد بود که به تمام معنی زاهد بود. علی (ع) در نهج البلاغه به ترک دنیا یعنی ترک لذتگرایی به عنوان آزاد منی زیاد تکیه می کند. علی (ع) در جایی می فرماید:

(الدُّنْيَا مَمْرٌ لَا دَارَ مَقَرٍّ: دنیا گذرگاه است نه قرارگاه (نهج البلاغه (کلمات قصار حکمت ۱۳۳)

و مردم در این معبر و گذرگاه دو دسته اند برخی خود را می فروشند و برده می سازند و خود را تباه می کنند برخی برعکس خویشتن را می خردند و آزاد می کنند (همان: ص ۲۶۷)

آری زهد علی شورش است علیه زبونی در برابر لذت ها، طغیانی علیه عجز و ضعف در برابر حاکمیت میلیها، عصیان و سرپیچی است علیه بندگی دنیا و نعمت دنیا. (سیر در نهج البلاغه ص ۲۶۸)

زهد و معنویت: اگر کسی بوئی از معنویت برده باشد می داند که تا انسان از قید هواپرستی آزاد نگردد و تا مسائل مادی از صورت هدف خارج شوند و به صورت وسیله در نیاید سرزمین دل برای رشد و نمو احساسات پاک و اندیشه های تابناک و عواطف ملکوتی آماده نگردد. این است که می گویند زهد شرط اصلی معرفت ۱ قاضی است و پیوندی محکم و ناگسستنی با آن دارد (سیری در نهج البلاغه ص ۲۶۹)

مولوی زهد عارفانه را این چنین توصیف می کند:

زهد اندر کاشتن کوشیدن است / معرفت آن کشت را روئیدن است

جان شرع و جان تقوا عارف است / معرفت محصول زهد سالیف اس (همان: ص ۲۷۲)

زهد برای آدمی تمرین است ۱، تمرین روح، روح با زهد ورزش می یابد و تعلقات اضافی را می ریزد، سبکبال و سبک بار می گردد و در میدان فضایل سبک به پرواز در می آید.

از قضا علی(ع) از تقوا و زهد به ورزش تعبیر می کند(همان ص ۲۷۹)

کلمه زهد با همه مفهوم عالی و انسانی که دارد سرنوشت شومی پیدا کرده است مخصوصاً در عصر ما ضالمانه محکوم می شود. در مفهوم این کلمه غالباً تحریف و اشتباه کاری به عمد یا غیر عمد رخ می دهد. گاهی مساوی با تظاهر و ریا معرفی می شود و گاهی مرادف با رهبانیت و عزلت و گوشه نشینی. اما هرگز نمی توان مفهوم و اصطلاح دیگری را به بهانه یک مفهوم غلط و اصطلاح دیگر محکوم کرد. اسلام در زمینه زهد دو چیز را سخت محکوم کرده است یکی رهبانیت و دیگری ماده پرستی و به عبارت جامع تر دنیازدگی را.(سیر در نهج البلاغه ص ۲۸۲)

همدردی و شرکت عملی در غم مستمندان و محرومان فلسفه های زهد است. مستعد و محروم زمانی که در کنار افرادی مرفه قرار می گیرد رنجش مضاعف می شود از طرفی رنج ناشی از تهیدستی و دست پیدا نکردن به ضروریات زندگی و از طرف دیگر رنج اساس تاخر و عقب ماندگی از حریفان (سیر در نهج البلاغه ص ۲۵۶)

علی (ع) در دوره خلافت بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می کرد. او می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ قَرِضَ عَلَىٰ أَهْلِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ

خداوند بر پیشوایان دادگر فرض کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف تطبیق دهند که رنج فقر مستمندان ناراحت نکند  
نهج البلاغه خطبه ۲۰۷

پس همانطور که می بینیم زندهایی ناشی از هم دردی و شرکت در غمخواری هم به هیچ وجه با رهبانیت هم ریشگی ندارد و مبنی بر گریز از اجتماع نیست بلکه راهی است برای تسکین آلام اجتماعی فرا رسیده  
انواع زهد از دیدگاه ابن سینا:

بوعلی سینا زهد را به زهد عارف و زهد غیر عارف تقسیم می کند اومی گوید زاهدانی که از فلسفه زهد آگاهی ندارند به خیال خود معامله ای انجام می دهند کالای آخرت را با کالای دنیا معاوضه می کنند از تمتعات دنیا دست می شویند ک در عوض از تمتعات آخرت بهره مند گردند ولی آشنا به فلسفه ی زهد از آن جهت زهد می ورزد که نمی خواهد ضمیر خودش را به غیر ذات حق مشغول سازد و در بند اسارتش در آید

زاهد دارای آثار دنیوی و اخروی است آثار دنیوی زهد عبارت است از آرامش و سکون نفسانی، سخاوت، تقویت دین داری و تجلی فطرت خداجویی، ایثار، همدردی با محرومان، پرهیز از اسراف، عطوفت و مهربانی، کوتاه شدن آرزوها و....

و آثار اخروی زهد در قبر و هنگام فشار قبر و در نعمت های بهشتی نمود می کند. ایر المومنین زهد را چنین توصیف می کند: تمام زهد در میان دو جمله ی قرآن است که خداوند در آیه ۲۲ و ۲۳ سوره جدید می فرماید: این برای آن است که برای آن چه از دست داده اید غمگین نشوید و آن چه به شما داده شده دلبسته و مغرور نشوید. زیرا همه اینها ظاهر دنیا و از بین رفتنی است. زهد اسلامی در متن زندگی قرار دارد گاهی می توان انواع زهد را این گونه تبیین کرد:

زهد در حرام- زهد در مشابهات، زهد در حلال، زهد در ماسوی الله.

اسلام دین رهبانیت، نداری و گدایی نیت بلکه این عزت و قورت و عظمت و اقتدار است اسلام دین توانایی و بصیرت و بینایی و خوش زیستن و زیبایی است. زهد داشتن و دل نبستن و پوشیدن و خوردن و اسراف نکردن است و توانا بودن و توکل کردن است عده ای نیز زهد را بهانواع دیگری نام گذاری کرده اند از جمله:

زهد للدنیا- زهد من الدنیا- زهد فی الدنیا

زهد للدنیا آن است که آدمی به خاطر خود دنیا زهد پیشه کند یعنی آدمی به خاطر جمع کردن بیشتر مال دنیا از ال دنیا کم استفاده کند و خسیس نماید چنین زهدی خودنوعی دنیا پرستی و زیاده طلبی و از نظر دین مقدس اسلام ناپسند و مطرود است

۲- زهد من الدنیا آن است که آدمی در استفاده از نعمتهای دنیا دارایی خود خسیس و خودداری می نماید با وجود آنکه مکلف و توانایی لازم را دارد و می تواند که به خانواده، اقوام، آسایش و رفاه خوب فراهم نماید ولی با سختگیری و خسیسی

زهد مِنَ الدُّنْيَا می کند و این قابل قبول اسلام نیست. زیرا در آیات و روایات داریم که خداوند می فرماید دوست دارم آثار و نعمت را دربنده ام ببینم یعنی در راه خدمت به خلق و ایجاد رفاه البته بدون اسراف به خانواده خود به کار گیرد.

۳- زهد قَى الدُّنْيَا آن است که آدمی با وجود داشتن و دارایی هیچ گونه دل بستگی و وابستگی به آنها نداشته باشد. در این نوع زهد و زاهدی یعنی عدم وابستگی به دنیا که از نظر دین اسلام مقدس و بسیر حائز اهمیت و پسندیده است. چرا که سرمنشا تمام اشتباهات و خطاهای انسان ها از عدم زهد و زاهدی یعنی حبّ دنیا می باشد.

اگر صاحبان مال و مکنّت زاهد باشند یعنی دل بسته و وابسته به مال دنیا نباشند و شهامت پرداخت خمس و زکات و انفاق را داشته باشند مطابق با سخن امام صادق (ع) حتی یک نفر هم بدون خوراک و پوشاک و مسکن نمی ماند. اگر سرمایه دارانی که صدها واحد ساختمان و ثروت های طوفان آورده بی کران دارند روزی آگاه شوند و عالم عارف گردند و از روی مهر و معرفت در خت نیکی و احسان بکار دیگر هیچ فردی در جامعه پیدا نمی شود که بی خانه و بی کاشانه بماند. (قیصری - رجبعلی / ۱۳۸۱ کنکاش پیرامون اهمیت عدالت و توسعه اقتصادی از منظر اسلام)

زندگی شفاف و روشن امامان و معصومین عاری از هر گونه افراط در زهد بوده است چنان چه در سیره عملی فطرت پیامبر (ص) هیچ گونه اثری از زهد افراطی و زهد مطرح شده در تصوف دیده نمی شود و خداوند پیامبر اسلام را الگو و اسوه ی حسنه ای برای بندگان معرفی کرده است (سوره احزاب آیه ۲۱) (محمد باقر مجلسی / بهار الانوار / باب اخلاق پیامبر پس با همه این تعابیر و تفاسیر نتیجه می گیریم که از هر درد دین اسلام ریشه قرآنی و روایی دارد و مورد توجه و عنایت خاص خداوند و امامان معصوم است.

۲- زهد در اسلام یک حالت و ملکه ی روحی و قلبی است که مانع گرایش و تمایل انسان به مادیات و امور دنیایی می شود و با حفظ اعتدال در عمل، انسان را به سوی کمال مطلوب سوق می دهد

۳- گرایش قلبی به زندگی دنیا ولو بدون مشغول شدن به آن باشد مانع رسیدن به کمال مطلوب انسانی میشود.

۴- عزلت و گوشه نشینی، ریاضت جسمی نامشروع و مضر برای بدن و مخل نظم اجتماع و رهبانیت در اسلام شدیداً نکوهش شده است.

۵- زهد آثا مثبت بی شماری در همین زندگی دنیا برای فرد و جامعه دارد

۶- نه تنها زهد سبب رکود وضعیت اقتصادی یک جامعه و یک کشور نمی شود بلکه سبب بهبود در مناسبات اقتصادی آن جامعه می گردد در چنین جامعه ای عدل و عدالت بیداد می کند و هیچ فقیری نمی ماند که حسرت مال غنی را بخورد و هیچ غنی ای باقی نمی ماند که مالش از پارو بالا رود و به فکر پایین تر از خودش نباشد. امید که با ظهور آقا و مولایمان مهدی عجل الله ، این چنین زندگی آرام و سبزی را تجربه نمائیم. ان شاء الله

### نتیجه گیری

خوانندگان محترم مطمئنا با خواندن این مقاله خود متوجه معنا و مفهوم صحیح کلمه زهد گردیدند و می توان گفت که نتیجه ای که بنده و شما از این چند سطر گرفتیم جز این نیست که دیدگاه ما را نسبت به این کلمه بازتر نموده و مارا از وادی گوشه گیری از دنیا و اوامر دنیوی خارج کرده و از پس با شنیدن این کلمه با دیدی باز تر و چشمانی بیناتر سعی در گسترش زهد در خود

و دیگران نموده و در بهبود مناسبات اقتصادی و خود و جامعه به کار ببریم چرا که دانستیم که زهد نه تنها سبب رکود فرد و اقتصاد یک جامعه نمی شود بلکه عوامل پیشرفت و صعود اقتصادی اجتماعی را نیز هرچه بیشتر فراهم خواهد کرد و جامعه را به سوی سعادت دنیوی و اخروی رهنمون خواهد ساخت.

باشد تا ما نیز با عمل به این دستورات اسلام و سنتهای الهی و امامان معصوم مخصوصا امام علی گاهی در جهت پیشبرد اهداف خود و جامعه برداشته و مسببات بهبود مناسبات اقتصادی را هرچه بیشتر فراهم نماییم.

**منابع و مأخذ**

- ۱-قرآن
- ۲-نهج البلاغه
- ۳-شهید مطهری ، مرتضی،سیری در نهج البلاغه،چاپ ۸۹،انتشارات طه
- ۴-الحّر العاملی ، وسائل الشعیه آل البيت ج ۱۶
- ۵- بحار الانوار ج ۷
- ۶-فروغ کاشانی
- ۷-ایرونی ، جواد ، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث
- ۸-ری شهری،محمد،میزان الحکمه ج ۳
- ۹-قیصری،رجبعلی،کنکاشی پیرامون اهمیت عدالت در توسعه اقتصادی ۱۳۸۱
- ۱۰-محمد باقر مجلسی،بحار الانوار، باب اخلاق پیامبر